

بررسی سیر تحول مدالیون بافته‌های ساسانی و تاثیر آنها بر نمونه‌های هنر اسلامی و مسیحی

علیرضا طاهری*

دانشیار دانشکده هنر و معماری، دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، ایران.
(تاریخ دریافت مقاله: ۹۳/۴/۸، تاریخ پذیرش نهایی: ۹۳/۱۰/۱۴)

چکیده

مدالیون‌های ساسانی از جمله نقوشی هستند که شخصیت و ممیزه هنر ساسانی را دارا هستند. مدالیون‌های ساسانی دارای انواع مختلفی هستند که در بین هنر سرزمین‌های همجوار و سایر تمدن‌های شرقی و غربی زمان خود دارای محبوبیت بوده‌اند. با توجه به نمونه‌های زیاد این مدالیون‌ها و گستردگی آنها در بین هنر پساساسانی، آسیای مرکزی، اسلامی، از شرق تا چین و از غرب تا بیزانس، سوریه، قبط، اروپای غربی (ایتالیا، اسپانیا، فرانسه)، هدف این مقاله پی بردن به چگونگی راهبایی مدالیون ساسانی به سرزمین‌های همسایه و نقاط دیگر و همچنین روند تحول شکلی این مدالیون‌هاست. روش تحقیق توصیفی است. اشیاء فلزی همانند ظروف سیمین و پارچه‌های ابریشمین از جمله کالاها، هدایای بسیار نفیس و در برخی مواقع از غنائم جنگی بودند که می‌توانستند حامل این نقوش باشند. پارچه‌های ساسانی یکی از محصولات بود که بسیار تبادل می‌شدند و علاوه بر ارزش تجاری، ارزش دیپلماتیک و سیاسی زیادی به عنوان هدایای سلطنتی داشتند. در نتیجه در روند تحول و دگرگونی مدالیون‌ها، تغییراتی دیده می‌شود: تبدیل و تغییر شکل نقوش تزئینی دایره به سایر نقوش هندسی، تغییر شکل مدالیون اصلی از دایره به اشکال پیچیده‌تر و ترکیبی هندسی.

واژه‌های کلیدی

مدالیون، هنر ساسانی، هنر اسلامی، هنر مسیحی، پارچه ساسانی.

مقدمه

و صحنه‌های شکار شاهی که عموماً در نقوش دایره‌ای شکل مدالیون‌ها محصور شده بودند. این محصولات یکی از محورهای اصلی اقتصادی را تشکیل می‌دادند که همزمان تولید و تجاری سازی را تحت کنترل در می‌آورد و تبادلات تجاری بین شرق و غرب راه ابریشم را در اختیار خود می‌گرفت و سبب می‌شد که بر روی مراکز و کارگاه‌های بافندگی شرق (تا چین) و غرب بیزانسی و قرون وسطایی (تا اسپانیا و حتی انگلیس) تاثیر زیادی بگذارند. در رابطه با مدالیون و شیوه تغییر و تحول آن به صورت خاص و با این دیدگاه تحقیقی صورت نگرفته است. نظر به اینکه این طرح یکی از نقوش مهم و تاثیرگذار هنر ساسانی بوده، بنابراین تحقیق پیرامون آن جهت یافتن زوایای دیگری از شیوه کارکرد و نقش آن ضروری به نظر می‌رسد. نوع پژوهش نظری بوده و روش تحقیق بر مبنای روش توصیفی و ابزار گردآوری اطلاعات کتابخانه‌ای است.

در این مقاله ابتدا به پارچه‌های ساسانی به عنوان یکی از مهم‌ترین ابزار تبادل هنری و فرهنگی آن دوران بوده پرداخته می‌شود، سپس راه‌ها و شیوه‌های انتقال و مهاجرت نقوش از طریق تمدن‌ها و سرزمین‌های مختلف مورد بررسی قرار می‌گیرد و در نهایت شیوه‌ای که بر اساس آن می‌توان مدالیون‌ها را با توجه به نقوش تزئینی گروه‌بندی نمود، ارائه می‌شود.

با توجه به اشکال مدالیون‌های نقش بسته بر روی پارچه و بافته‌های ساسانی، وجود ویژگی‌های متمایز، تنوع طراحی و شیوه ترسیم آنها چشمگیر است. عصر ساسانی دوره اوج و تعالی هنر پارچه بافی و بویژه پارچه‌های ابریشمین و توسعه صنعت بافت آنهاست. ولی این نکته را نیز باید اذعان داشت که یکی از دلایل مهم ارزش آنها، وجود نقوش بدیع، و خلاقیت در آفرینش طرح‌ها و نقوشی بود که بر روی کارگاه‌های پارچه بافی سایر کشورها تاثیر گذاشته بود.

نمونه‌های زیاد از این مدالیون‌ها در آثار هنری پساساسانی، آسیای مرکزی، دوران اسلامی، چین، سوریه، قبط (مصر) و هنر مسیحی اروپای غربی (اسپانیا، فرانسه) وجود دارند، که نشان از محبوبیت آنها در بین این سرزمین‌ها بوده است. بنابراین می‌توان این سوال را مطرح نمود که: چگونه مدالیون ساسانی به سرزمین‌های همسایه و نقاط دیگر راه یافته اند؟ روند تحول شکلی این مدالیون‌ها چگونه است؟

پارچه‌های ساسانی یکی از محصولاتی بود که مورد تبادل بسیار بوده و علاوه بر ارزش تجاری، ارزش سیاسی بسیار زیادی نیز به عنوان هدایای سلطنتی داشتند. همین مبادلات، از روش‌های مهاجرت نقوش و طرح‌های ساسانی به اقصی نقاط جهان آن روزگار بود، نقوش حیوانی، گیاهی، هندسی

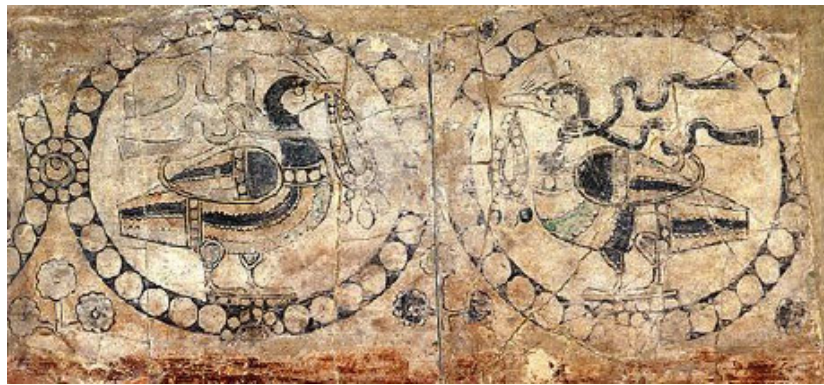
پارچه ابریشمین ساسانی

نیز استفاده می‌شدند» (Cassou, 1977, 166). ساسانیان تولیدات دست ساخته و بویژه ابریشم و پارچه‌های ابریشمین را نیز صادر می‌کردند. در واقع از اواخر قرن چهارم میلادی ارتباط شان را با چین برای صادر نمودن ابریشم خام برقرار نمودند. آنها کنترل بخش غربی راه ابریشم را در دست خود گرفتند و همانند قطب تجاری، تجارت آن به بیزانس و اروپا را تحت کنترل خود درآوردند. از قرن ششم میلادی، پارسیانی نیز در چین سکنی گزیدند و ارتباط‌ها رو به توسعه بیشتر نهاد، بویژه به مدد کاروان‌های تجاری و مبلغان مذهبی نستوری. پارچه‌های ساسانی در خارج از مرزهای ساسانی نیز بسیار مورد احترام و تقلید قرار گرفتند در مصر قبطی، خاورمیانه تا قرون وسطی. هنگامیکه امپراتور بیزانس هرآکلیوس^۲ (۶۱۰-۶۴۱ میلادی) کاخ خسرو پرویز دوم (۵۹۱-۶۲۸ میلادی) در دستگرد را تصرف نمود، پارچه‌های گرانبها جزو غنایم او بود. علاوه بر پارچه‌های ابریشمین، ظروف فلزی سیمین و طلاکاری شده با طرح‌ها و نقوش ساسانی نیز به صورت هدایای سیاسی رد و بدل و گاهی نیز همانند غنایم و محصولات تجارتهای محسوب می‌شدند.

هنر پارچه‌های ابریشمین مزین در دوران ساسانی توسعه زیادی پیدا نمود و علاوه بر لباس‌های سلطنتی و اشراف، در پوشش پارچه‌ای آثار و اشیاء گرانبها و مقدس نیز مورد استفاده قرار گرفت. علاوه بر جنس و مواد گران قیمت همچون ابریشم و نخ‌های طلایی استفاده شده در آنها، وجود طرح‌های نادر و خارق‌العاده نیز سبب ارزشمندی آن نیز شده بود. «این پارچه‌ها اغلب با مدالیون‌هایی تزئین یافته بودند که طرح‌هایی از حیوانات خارق‌العاده و تخیلی همانند گریفون، شیرهای بال دار در درون آنها نمایش داده شده بود. آنها به "پالیس روتاتا"^۱ یا پارچه‌هایی با مدالیون‌های دایره‌ای معروف بوده و با متون قرون وسطایی ارتباط داشتند. در داخل دایره آنها، حیوانات تخیلی نمادینی بودند که بعدها بر روی سرستون‌های رومانسک ظهور پیدا نمودند و یا منبع حیوانات نمادین هرالدیکی [نشان نجابت خانوادگی اشراف] غربی شدند. امروزه نیز برخی از کاتدرال‌ها و کلیساهای اروپایی هنوز قطعات عالی از پارچه‌های ساسانی را در خود نگاه داشته‌اند. این پارچه‌ها، که در طول دوران قرون وسطی شرق، برای پیچیدن و نگهداری اشیای مقدس مذهبی بکار برده می‌شد، اغلب به عنوان مدل برای صنعت کاران بیزانسی

به نقوش مختلف زنیانو، با اشکال پرندگان و شاهین‌هایی با روبان‌هایی در منقار را داشتند» (Roychi, 1975, 128-129). در قرن ششم میلادی، مذهب رسمی شاهنشاهی ساسانی زرتشتی بود و در خصوص سایر مذاهب نیز تعامل داشتند و این نقاشی دیواری که در مکانی بودائستی پیدا شده نیز موید این نکته است. تاثیر نقوش و مدالیون‌های ساسانی در سمرقند و پنجکنت^۷ نیز قابل مشاهده است. بر روی لباس‌های شخصیت‌های نقاشی شده در سالن کاخ افراسیاب (سالن سفیران)، نقوش مختلف ساسانی در داخل مدالیون‌ها نقش بسته است. یکی از دلایل اصلی این نقاشی باز نمایی یک موقعیت تاریخی است. در این نقاشی، فرمول‌های هنر قراردادی و عمومی نقاشی چینی دیده نمی‌شود. این تصاویر تقریباً بازتاب ایدئولوژی حکمرانی پادشاه سمرقند، واکسومان^۸ است که حوادث تاریخی پادشاهی او را نمایش می‌دهند.

سیاست کنترل ساسانیان به کوه‌های پامیر نرسید ولی تاثیر فرهنگ و هنر آنها در آسیای شرقی گسترده شد. در قرن هشتم میلادی، هنگامیکه ظروف سیمین، پارچه‌های ابریشمین و اشیای هنری شیشه‌ای ساسانی به چین رسیدند، پارچه‌های چینی مدل‌ها و الگوهای ساسانی را دوباره احیا نمودند. نقاشی دیواری که دو مدالیون با دو اردک متقابل قرینه را نشان می‌دهد، در یک غار بزرگ در کیزلی^۹، (منطقه‌ای بودایی در شمال راه کاروان صحرای تکلا مکان^{۱۰} پیدا شده است. بدن آنها با پرها و شکل‌های هندسی و باندهای رنگی تزیین و در مدالیون‌هایی (نقش مروارید) کاملاً ساسانی محصور شده‌اند. بندهای مروارید و جواهر از نوک‌های آنها آویزان است و الگو و مدلی محبوب همانند نقش زنیانو^{۱۱} یا نقش "پرنده جونده" در چین شدند. «بخشی از تانگ هوپائو^{۱۲} (نوشته‌های مهمی از تانگ) شرح می‌دهد که چگونه فقط کارگاه‌های سلطنتی اجازه ساخت پارچه‌های مزین



تصویر ۱- پرندگان با نماد سلطنتی ساسانی در منقار و دور گردن، مدالیون (نقش مروارید)، نقاشی دیواری، قرن ششم و هفتم میلادی، کیزلی، ۵۲x۱۱۰ سانتی‌متر.
ماخذ: (موزه استاتلیش برلن، آلمان) (www.smb.museum)



تصویر ۲- بخشی از نقاشی دیواری سالن افراسیاب، شخصیت‌هایی با لباس‌هایی به شیوه ساسانی با نقوش اسطوره‌ای و مدالیون‌های سلطنتی، سمرقند.
ماخذ: (www.archeo.ens.fr)

قطعه پارچه ابریشمین مدالیون ساده‌ای با نقش گراز سلطنتی (محصور در مدالیون (نقش مروارید) دایره‌ای متشکل از نقوش دایره‌ای کوچک)، دیده می‌شود (تصویر ۴). دایره‌های کوچک به رنگ روشن در سطح قهوه‌ای تیره مدالیون دایره قرار گرفته‌اند. خود دایره‌های کوچک که در کنار هم شکل دایره را تشکیل می‌دهند یک الگوی ساده برای مدالیون هستند (تصاویر ۱، ۳ و ۴) که مکرر بر روی پارچه و اشیای هنری در همه جا بازنمایی شده است. این شکل ساده می‌تواند با جایگزین شدن مربع‌های کوچک در محورهای عمودی و افقی مدالیون، نقش جدیدی را بوجود آورد که دارای نظم و تقارن نیز هستند (تصویر ۵).

یک نمونه از این مدل را می‌توان بر روی قطعه پارچه‌ای ابریشمین مشاهده نمود که اسب بالداری با مشخصات ساسانی در میان خود دارد (تصویر ۵). «اسب بالداری، به همراه خدای خورشید نقشی را تشکیل می‌داد که نزد ساسانیان محبوب بود» (Harris, 1991, 96). هیبت و هیکل اسب بالداری و همچنین شیوه نقش‌پردازی آن کاملاً سلطنتی است.

در برخی موارد، این تزیینات دایره شکل مدالیون‌ها تبدیل به شکل شش گوشه می‌شوند، که جایگزین آنها شده و نوار مدالیون را آرایه می‌دهند (تصویر ۶). نقش اسبان بالداری، در قطعه‌ای پارچه ابریشمین - به صورت ردیفی بر روی سطوح چند رنگی قرمز، آبی و سبز - در داخل مدالیون‌هایی متشکل از اشکال شش وجهی قرار گرفته‌اند. این اشکال، هم‌رنگ زمینه بزرگ پارچه، به روی رنگ‌های قرمز، آبی و سبز خودنمایی می‌کنند. این صحنه ترکیب‌بندی افقی ساده و بزرگی از مدالیون‌ها را نشان می‌دهد. بر روی بدن اسب بالداری، بر بالای پای راست، شکل بزرگی از بال تجرید شده دیده می‌شود؛ بر روی بال، نقش شش گوش دیگری نیز وجود دارد که در هماهنگی با نقش تزیینی نوار مدالیون است.

یک الگوی دیگر، مدالیونی را با دو باند نازک و ظریف به رنگ زرد آکر و بزرگ در کنار هم نشان می‌دهد. بر روی هر یک از آنها دایره‌های کوچکی دیده می‌شود که آنها را تزیین نموده اند (تصویر ۷). این دو باند بر روی نمونه پارچه‌ای دیگر با اختلافاتی بافته شده است، باند بیرونی با نقوش نواری شکل بریده شده به رنگ‌های روشن و تیره سبز و آکر مزین شده، در حالیکه باند داخلی به رنگ

در غرب و در دورترین نقاط اروپا نیز مدالیون‌های ساسانی به همراه نقوش شان تاثیر خود را گذاشتند. در دیر سانتا ماریا دو لستای واقع در کاتالونیا، اسپانیا، قطعه پارچه‌ای یافته شده که حامل مدالیون و نقوش مشخصه ساسانی است (تصویر ۳). این قطعه پارچه ابریشمین، بزرگ‌ترین تکه از بین هفت قطعه است. به نظر می‌رسد که پارچه اصلی، قبل از تکه‌تکه شدن، برای یک لباس مراسم مذهبی مسیحی ساخته شده است. «نمی‌توان تاثیر هنر ساسانی را بر این پارچه انکار نمود: نقوش حیوانات تخیلی [در داخل مدالیون‌ها] با سنت ساسانی ارتباط دارد که آنها را به عنوان نمادهای حامی سلطنتی به کار برده‌اند. این نقوش بعد از فتوحات مسلمانان بازتولید و در فهرست نقوش بیزانسی نیز وارد شدند» (The Glory of Byzantium, 1997, 414).

پارچه‌های مزین به چنین نقوشی در تمام حوزه دریای مدیترانه، در تمدن‌های مسیحی و اسلامی توسعه یافتند. «این پارچه‌ها انعکاسی از سلیقه و تمایلی بود که در بین کشورهای کرانه دریای مدیترانه تا خاور نزدیک رواج پیدا کرده بود. این گونه نقوش روی پارچه‌های خاور دور هم بنحو بسیار متحیرانه‌ای پیدا شدند که نشانی بر محبوبیت آنها بود» (Trilling, 1985, 214).

همانگونه که ذکر شد نقوش و مدالیون‌های ساسانی در دوران پسا ساسانی و در کشورهای اسلامی و در شرق و غرب رواج یافتند. به دلایل گوناگونی، مدالیون‌هایی که بر روی پارچه‌ها و بافته‌ها نقش بسته بودند، انواع مختلفی از مدالیون با طرح‌های ویژه و مشخصی دیده می‌شود. در این مقاله گونه‌های مشخصی از مدالیون‌ها مورد بررسی قرار می‌گیرند.

گروه اول

این گروه، مدل و الگویی از مدالیون را معرفی می‌کند که بر اساس نقوش دایره وار و گرد ساخته شده است. مبنای آن بر اشکال دایره‌ای است که با هم یک مدالیون گرد بزرگ را تشکیل می‌دهند، از یک شکل ساده و ابتدایی تا اشکال پیچیده ترکیبی. بر روی یک جفت



تصویر ۳- پارچه با مدالیون‌های (نقش مروارید) محصورکننده نقوش فیل، اسب بالداری (پگاسوس) و سیمرغ ساسانی، قرن یازدهم میلادی. ماخذ: (محل کشف دیر سانتا ماریا دولستای Santa Maria del Estay, کاتالونیا، اسپانیا، محل نگهداری موزه کوپر هویت، نیویورک) (www.cooperhewitt.org)

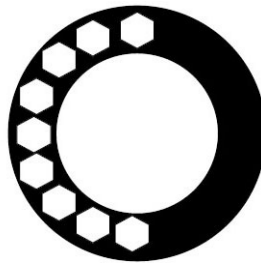


تصویر ۴- مدالیون دایره با نقش سر گراز نماد سلطنتی ساسانی، آسیای مرکزی، قرن هفتم - هشتم میلادی، شیوه ساسانی، ۱۰/۶ x ۷/۶ سانتی متر، طول نوار ۴۴ و ۴۶ سانتی متر.

ماخذ: (Vanden Berghe & Overlaet, 1993, 110)

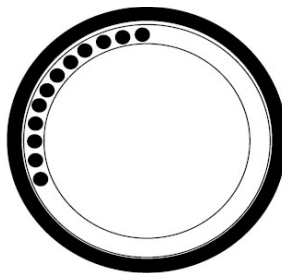
در زیر سم‌های اسب یا در اطراف صحنه، و مدالیون منقوش به دایره‌های کوچک، که صحنه را احاطه کرده اند (تصویر ۸).

این دو نوار تشکیل‌دهنده مدالیون، می‌تواند به سه نوار نیز افزایش یابد. این مدل کمی پیچیده‌تر است. در یک نمونه از این الگو، سه شیوه از آرایش و چینش نقوش دایره‌ای شکل با ابعاد مختلف دیده می‌شود (تصویر ۱۰). داخلی‌ترین دایره مدالیون که کوچک‌ترین هم هست، از مدل‌های ساده پیروی کرده است. دومین دایره که عریض‌تر هم هست در وسط قرار دارد. نقوش دایره‌ای و بیضوی به صورت یک در میان، آن را مزین کرده



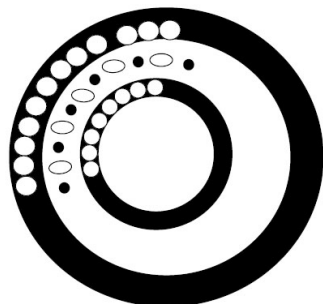
تصویر ۶- پنج مدالیون با نقش اسب بالدار، آسیای مرکزی، قرن هفتم- هشتم میلادی، ساسانی، قطعه‌ای از پارچه ابریشمین، ۱۴x۵۷ سانتی متر، کلکسیون شخصی، انگلستان.

ماخذ: (Harris, 1991, 115)



تصویر ۸- پارچه ابریشمین با نقش شکار به شیوه ساسانی، مدالیون دو باندی، قبطی، مصر، قرن هفتم میلادی، ۲۰ x ۲۰ سانتی متر.

ماخذ: (www.latapisserie.com)

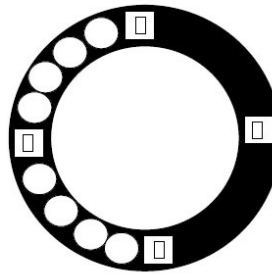


تصویر ۱۰- پارچه ابریشمین، مدالیون سه باندی، با حیوانات قرینه روبرو، شیوه ساسانی، قرن هفتم میلادی، سغدیان.

ماخذ: (www.qantara-med.org)

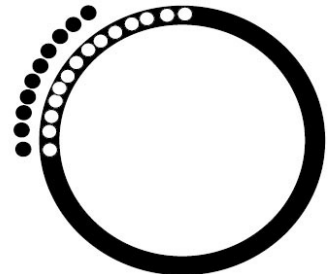
سفید با نقوش دایره‌ای کوچک دو به دو، با رنگ پرداززی سنتی بژ و آکریز شده است (تصویر ۸). در بین مدالیون صحنه شکار سلطنتی به شیوه ساسانی دیده می‌شود که بر روی پس زمینه‌ای به رنگ قرمز قرار گرفته است. نکته قابل توجه این است که رنگ داخل مدالیون با رنگ خود پارچه متفاوت است. در این گونه مدالیون‌ها، باند بیرونی در واقع کادر مدالیون را مشخص می‌کند.

موضوع اسب سوار، اغلب در تصویر پرداززی و شمایل نگاری قبطیان مصر احیا شده، که بدون شک میراثی از صحنه شکار ساسانی است که بر روی بسیاری از ظروف سیمین و پارچه‌های ساسانی نقش شده است (تصویر ۹). در بسیاری از آثار قبطی، شیوه کلاسیک ساسانی صحنه شکار، یک اسب سوار اشرافی سوار بر یک اسب (به طور سنتی سفید) در حال یورتمه با حیواناتی



تصویر ۵- مدالیون با نقش اسب بال دار (یگاسوس)، آسیای مرکزی، ساسانی، قرون هفتم- هشتم میلادی، پارچه ابریشمین، ۱۵/۵ x ۳۳/۵ سانتی متر، کلکسیون شخصی، بریتانیای کبیر. مدالیون با چهار شکل مربعی در محورهای عمودی و افقی.

ماخذ: (Vanden Berghe & Overlaet, 1993, 110)



تصویر ۷- پارچه ابریشمین، با نقش دو اردک متقابل متقارن و مدالیون دو باندی، قرن نهم میلادی، آسیای مرکزی، پس‌ساسانی.

ماخذ: (www.asianart.com)



تصویر ۹- سینی نقره طلاکاری شده، صحنه شکار شاهی، قرن پنجم - ششم میلادی، ساسانی، قطر ۲۱,۹ سانتی متر، موزه متروپولیتن.

ماخذ: (www.metmuseum.org)

از دایره بزرگی تشکیل شده که هر یک خود مدالیون‌های ساده‌ای هستند که نقوش گیاهی و جانوری را در خود جای داده‌اند. این مدالیون‌های کوچک، نوار عریض مدالیون بزرگ را در وسط تزیین و پر می‌کنند. علاوه بر آنها دو نوار با پهنای باریک نیز در درون و بیرون، مدالیون بزرگ را احاطه کرده‌اند، آنها خود نیز با دایره‌های کوچک تیره بر روی زمینه روشن آرایش شده‌اند.

نقوش گرد می‌توانند به نقوشی شبیه گلبرگ تبدیل شوند که در دایره بیرونی مدالیون قرار گرفته‌اند (تصویر ۱۳). این نقوش در هماهنگی جالب توجهی با ظاهر گل‌گونه کلی مدالیون هستند، در وسط هر نقش گلبرگ سبز رنگ مدالیون، نقش گل قرمز رنگی وجود دارد. تحول شکلی دیگر، تغییر شکل دایره‌های مدالیون به اشکال هندسی دیگر است. در اینجا، دو نمونه معرفی می‌شود، یکی مدالیون تشکیل شده از شش نیم دایره مزین به سه ردیف، دو باند باریک ساده قرمز با نقوش گرد به رنگ اکر و باند وسط با دایره‌های بزرگ (تصویر ۱۴)؛ دیگری، مدالیونی با شکلی کاملاً هندسی ستاره مانند و نقوش تزیینی گرد (تصویر ۱۵).

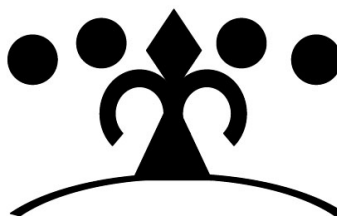


تصویر ۱۲- پارچه ابریشمین دو رو، ملهم از شیوه ساسانی، مدالیون با نقوش جانوران، شیران بالدار قرینه روبرو در طرفین درخت زندگی، اوایل دوران اسلامی، موزه ملی ایران. ماخذ: (www.nationalmuseumofiran.ir)

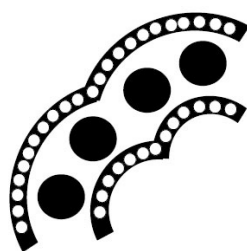
است. سومین دایره و در واقع لایه بیرونی، بزرگ‌تر بوده و به رنگ سیاه با دایره‌های کوچک روشن دیده می‌شود. علاوه بر خود مدالیون، صحنه روایی داخل نیز به شیوه حیوان‌نگاری متقابل قرینه ساسانی در طرفین درخت زندگی بافته شده است.

مدالیونی دیگر، مدلی پیشرفته و پیچیده عرضه می‌کند. بر روی یک قطعه پارچه که از آستانا، قزاقستان بدست آمده، سه نقش کوچک تزیینی به صورت دایره‌ای قرار گرفته‌اند در حالیکه نوار مسطح دایره‌ای محاطی، دیگر وجود ندارد. این اشکال تزیینی به صورت آزادانه بر روی هم و کنار هم قرار گرفته و علاوه بر اینکه شکل جدیدی از مدالیون را بوجود آورده‌اند، دایره بزرگ را تداعی می‌کنند (تصویر ۱۱).

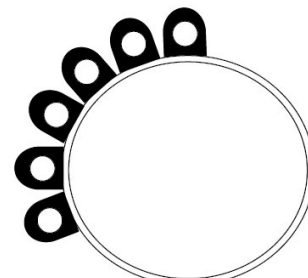
در روند تحول مدالیون‌های دایره‌ای، مدل‌های پیچیده‌تری بر روی برخی از پارچه‌ها خود نمایی می‌کنند، برای نمونه یک پارچه ابریشمین دورو مربوط به اوایل دوران اسلامی (پساساسانی)، نقوشی را آرایه می‌کند که مدالیونی است غنی از نقوش گیاهی و حیوانات واقعی و خیالی (تصویر ۱۲). این مدالیون



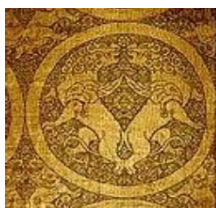
تصویر ۱۱- پارچه با نقش مدالیون دربرگیرنده نقش سیمرغ - طاووس‌های قرینه روبرو ساسانی، آستانا، آسیای مرکزی، پاساساسانی. ماخذ: (Fernandez, 2000, 34)



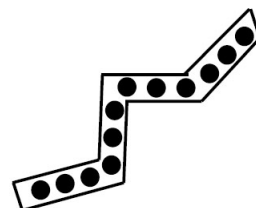
تصویر ۱۴- قطعه‌ای از پارچه معروف به سن لازار اوتان، ابریشم و طلا، قرن یازدهم میلادی، آلمرا یا کوردوا، اسپانیا، محل نگهداری موزه رولن گنجینه کاتدرال، اوتان، فرانسه. ماخذ: (www.autun.com)



تصویر ۱۳- پارچه ابریشمین، با نقش اردک‌های متقابل قرینه، در داخل مدالیون گل‌گونه، آسیای مرکزی، قرن هفتم - هشتم میلادی، ساسانی. ماخذ: (Vanden Berghe & Overlaet, 1993, 121)



تصویر ۱۶- قسمتی از لباس ابریشمین طلادوزی شده، شیران بالدار پشت به پشت قرینه درون مدالیون یک باندی مسطح، قرن سیزدهم میلادی، آسیای مرکزی، موزه کیولاند. ماخذ: (www.clevelandart.org)



تصویر ۱۵- پارچه ابریشم و طلا، مدالیون شمسه با نقش پرنده، قسمتی از لباس، آلمریا، اسپانیا، ۱۱۱۶-۱۱۱۷ میلادی، کاتدرال فرمو. ماخذ: (Fernandez, 2000, 23)

شده‌اند باید متذکر شد که تنوع در این گروه مدالیون زیاد است، برای مثال سه نوع باند یا نوار مدالیون در این گروه معرفی می‌شوند: اولین مثال پارچه‌ای ابریشمین مربوط به صحنه بشارت مسیح (قرن ششم-هشتم میلادی، موزه واتیکان) است که باند مدالیون آن با نقوش گل و گیاه تزیین یافته است (تصویر ۱۸). دومین نمونه مدالیونی است که در آن یک باند مکمل به بخش بیرونی باند اصلی مدالیون چسبیده است (تصویر ۱۹). باند مدالیون در مرحله بعد، پیشرفت نموده و کامل تر می‌شود با افزودن یک باند داخلی به باند اصلی، در واقع، سه باند که با هم یکی می‌شوند، مدالیون را تشکیل می‌دهند (تصویر ۲۰).

گروه سوم

سومین گروه شامل مدالیونی است که دیگر شکل مستقلی ندارند و از فرم‌های واسطه که به مدالیون اصلی پیوند می‌خورند تشکیل می‌شوند (اغلب چهار یا بیشتر). اشکال واسطه یا مکمل بیشتر به شکل دایره می‌باشند، با این وجود از اشکال دیگر هم استفاده می‌شود.

در واقع نوار یا باند اصلی مدالیون در این گروه، بوسیله نقوش گرد تزیین شده، و بوسیله مدالیون‌های کوچک‌تر به یک مدالیون اصلی دیگر وصل می‌شود که این زنجیره از چهار طرف بسط یافته و نقوش جدیدی را بوجود می‌آورد (تصویر ۲۱).

گروه دوم

دومین گروه مدالیون‌ها نیز همانند گروه اول بر اساس نوار محیطی آنها شکل می‌گیرد. همانند گروه پیشین، این گروه نیز از شکل ساده (باند تخت و مسطح تک رنگ) شروع می‌شود و به اشکال پیچیده می‌رسد. برای اولین مدل ساده، می‌توان نمونه یک لباس ابریشمین و طلادوزی شده، با دو شیر پشت به پشت متقارن در داخل مدالیون ساده، با یک نوار تخت به رنگ طلایی، را معرفی نمود (تصویر ۱۶).

این مدل مدالیون معمولاً با نقوش دایره‌ای کوچک تزیین نشده است، بلکه اشکال هندسی منظم یا نامنظم، تجریدی، گل‌ها، برگ‌ها و ساقه‌های گیاهی و آرابسک آنها را آرایه بندی می‌کند. یک پارچه پشمین، متعلق به قرن ششم-هفتم میلادی قبطی، جنگجو یا شکارچی را نشان می‌دهد که نیزه خود را در سینه یک شیر فرو برده است. مدالیون محاطی بوسیله اشکال نامنظم تیره و روشن به رنگ‌های بژ، آکر، قرمز و سفید شکل گرفته است، در برخی گوشه‌ها این اشکال از حالت خود خارج شده اند (تصویر ۱۷). به نظر می‌رسد که بافنده از مهارت کافی برای بافت نقوش منظم برخوردار نبوده است، یا این حالت به دلیل از شکل خارج شدن پارچه در طول قرون حادث شده و باعث خسارت دیدن آن شده است. در رابطه با نوارهایی که کاملاً با نقوش گل‌ها و گیاهان آراسته



تصویر ۱۹- پارچه پشمین، مدالیون با صحنه داود و ساموئل، قرن هفتم-نهم میلادی، باتیمور، گالری هنر والتر. ماخذ: (thewalters.org)



تصویر ۱۸- پارچه ابریشمین، با مدالیون صحنه بشارت، قرن ششم-هشتم میلادی، موزه واتیکان. ماخذ: (mv.vatican.va)



تصویر ۱۷- پارچه پشمین، شکارچی و شیر محصور در مدالیون، قرن ششم-هفتم میلادی، قبطیان مصر، موزه ملی قرون وسطا کلونی، پاریس. ماخذ: (www.musee-moyenage.fr)



تصویر ۲۱- پارچه ابریشمین، اسب بالدار با نمادهای شاهی ساسانی، دوره ساسانی، موزه گیومه، پاریس. ماخذ: (www.guimet.fr)



تصویر ۲۰- پارچه ابریشمین، ساسانی یا بیزانس مدالیون با صحنه شکار شاهی. ماخذ: (Bernus-Taylor, 1989,89)

نقشی واحد در کل بوجود آورده‌اند (تصویر ۲۲). این مدالیون را بایستی کلاً مدالیون گیاهی نامید زیرا نوار اصلی از نقوش گیاهی تشکیل و مزین شده و هر یک از مدالیون‌های مکمل نیز با نقوش گل‌های باز (در حالیکه گلبرگ‌های آنها گسترده شده) تزیین شده‌اند. این شیوه مدالیون سازی به عنوان شیوه‌ای کلاسیک بارها و در طول قرون مورد استفاده قرار گرفته است.

گروه چهارم

در بین مدالیون‌ها، اشکالی هستند که دیگر به صورت نمونه‌های قبلی نبوده و شکل‌های جدید متفاوت، ترکیبی و بسیار پیچیده‌تری عرضه می‌کنند، باندهای دایره‌ای مزین به نقوش گرد نیستند. یک پارچه ابریشمین (احتمالاً بیزانسی) مزین به مدالیون‌هایی با شکل‌های جدید و متفاوت، شاهی است بر این مدعا، این مدالیون مرکب از یک مربع بزرگ و چهار دایره در هم ادغام شده و چسبیده در هر ضلع مربع است (تصویر ۲۳). نقش یک فیل در داخل آن ترسیم شده که نماد قدرت سلطنتی ساسانی است. دو باند به هم چسبیده، مدالیون را تشکیل می‌دهند.

این ترکیب و امتزاج شکل‌های دایره و مربع، الگوی دیگری نیز خلق می‌کند. یک پارچه ابریشمی متعلق به دوران

دو نمونه از این گروه را می‌توان معرفی نمود: یکی قطعه پارچه‌ای ابریشمین است که در کارگاه‌های ساسانی بافته شده و اسب بالدار با نمادهای سلطنتی ساسانی را نمایش می‌دهد، نمادهایی همچون تاج سلطنتی، روبان شاهی گره خورده به دور گردن و پاها (تصویر ۲۰). پگاسوس یا اسب بالدار، بوسیله یک مدالیون مزین به نقوش گرد احاطه شده است. این مدالیون بوسیله چهار مدالیون کوچک در محورهای افقی و عمودی به یک مدالیون اصلی دیگر ارتباط پیدا کرده است. درون هر یک از مدالیون‌های مکمل، نقشی همانند هلال ماه به رنگ روشن زمینه پارچه بر روی رنگ مشکی نقش بسته است.

مدالیون‌های مکمل همیشه به صورت دایره‌ای و گرد نیستند، در برخی از نمونه‌ها، شکل آنها ممکن است تغییر نماید همچنان که نقوش درون آنها نیز متغیر است: نقوش هندسی، غیرهندسی، گیاهی و سایر.

نمونه دوم، پارچه‌ای ابریشمین متعلق به قرن هشتم میلادی (ساسانی) است که به «آمازون‌ها» معروف بوده و از اشیای مقدس دیر فارموتیر^۱ است (تصویر ۲۲). این پارچه از ابریشم به رنگ آکر روشن، قرمز و آبی تیره بافته شده است که به مرور زمان رنگ‌های آن کمی پریده و تغییر کرده‌اند. مدالیون‌های اصلی هر کدام بوسیله چهار مدالیون کوچک دیگر به هم وصل شده و



تصویر ۲۳- پارچه ابریشمین، ساسانی، احتمالاً بیزانس، قرن نهم میلادی، مدالیون با نقش فیل.

ماخذ: (Fernandez, 2000, 34)



تصویر ۲۲- پارچه مشهور به «آمازون‌ها»، قرن هشتم میلادی، ساسانی، دیر فارموتیر، فرانسه.

ماخذ: (www.faremotiers.org/fr)



تصویر ۲۴- پارچه ابریشمین، بو وحید، با نقش طاووس متقارن روبرو در دو طرف درخت زندگی، ری، ساسانی.

ماخذ: (Bernus-Taylor, 1989, 57)

لوزی باند داخلی آن را می‌سازد. داخل مدالیون دو طاووس با دم برگشته به بالا به صورت قرینه روبرو و نقوش تجریدی گیاهی قرار دارد، فضای مدالیون نیز توسط نقوش حیوانی و گیاهی پر شده است. در این نمونه، همچون گروه قبلی دو مدالیون دایره مکمل نیز به پایین مدالیون اصلی وصل شده است.

اسلامی (پساساسانی)، بافته شده در کارگاه‌های ری، مدالیونی زیبا و کم نظیر نمایش می‌دهد، یک لوزی بزرگ قرار گرفته بر روی یک دایره، به نحوی که رؤس آن تقریباً بر محیط دایره مماس هستند (تصویر ۲۴). یک نوار ظریف با نقوش کوچک دایره، مرز بیرونی مدالیون را تشکیل می‌دهد در حالیکه خطوط ساده

نتیجه

پارچه‌ها و دستبافته‌ها، می‌توان تعداد زیادی از مدالیون‌ها با ویژگی‌ها و مشخصه‌های ممیزه مشاهده نمود. با توجه به تعداد زیاد مدالیون‌ها، در این مقاله مجال پرداختن به بسیاری از آنها میسر نگردید، با این وجود سعی شد الگوهایی از آنها انتخاب شوند. با توجه به آنچه گفته شد، می‌توان دو گونه ساده را به عنوان الگوهای اصلی از مدالیون‌ها را که در دوران هنری ساسانی، اسلامی و مسیحی کاربرد داشته و رایج بوده و بر روی پارچه‌ها نقش بسته بودند، را مشخص نمود:

۱- مدالیون دایره شکل و ساده مزین به نقوش دایره‌ای کوچک.
۲- مدالیون ساده و دایره شکل تشکیل شده از باند مسطح و تخت بدون تزئین.

همانطور که مشاهده می‌شود این دو گروه بر اساس دو نقش بسیار ساده تشکیل یافته اند: نقوش دایره‌ای کوچک و نوار تخت و مسطح. در روند تحول و دگرگونی مدالیون‌ها، تغییراتی نیز دیده می‌شود:

۱- تبدیل و تغییر شکل نقوش تزئینی دایره به سایر نقوش هندسی.

۲- تغییر شکل مدالیون اصلی از دایره به اشکال پیچیده تر و ترکیبی هندسی.

شیوه گروه‌بندی و بررسی مدالیون‌ها در هر دو گونه اصلی از اشکال ساده به طرف اشکال پیچیده است که می‌تواند برای سایر مدالیون‌ها هم کاربرد داشته باشد.

مدالیون‌های ساسانی چنان مورد توجه و محبوبیت سایر کشورهای هم عصر ساسانی و پس از ساسانی قرار گرفتند که به طور انبوه مورد تقلید قرار گرفتند. نمونه‌های آنها در شرق تا چین و در غرب تا اروپای غربی (ایتالیا، فرانسه، اسپانیا و حتی انگلستان) نیز تاثیرگذار بودند. این مهاجرت نقوش بخشی بر اثر جنگ‌ها و تصرف غنایم بوده، ولی بیشتر آنها به صورت هدایای سلطنتی که کاربرد سیاسی داشتند و همچنین در نتیجه داد و ستد و تجارت به سایر نقاط راه یافتند. نقش جاده ابریشم و کشورهای کرانه دریای مدیترانه در این میان نیز بسیار اهمیت دارد.

پارچه‌های ساسانی مورد توجه کلیساها و اسقفان مسیحی نیز قرار گرفته بود و این به لحاظ کیفیت ارزشمند بافت و جنس ابریشمین آن از یک سو و نقوش خارق‌العاده و سلطنتی و با وقار آن از سوی دیگر بود. بسیاری از آنها جزو هدایای سلطنتی بودند. این موضوع نوعی قدسیت را به پارچه‌ها انتصاب می‌کرد به نحوی که استخوان‌های قدیسیان در آنها پیچیده و نگهداری می‌شد. همه عوامل ذکر شده بالا در انتقال و مهاجرت نقوش ساسانی بویژه مدالیون‌های ساسانی موثر بودند.

با توجه به اینکه مدالیون‌ها از نقوشی هستند که قابلیت انعطاف، نوآوری و ترکیب‌بندی‌های خلاقانه دارند، بنابر این اشکال جدیدی نیز در فرآیند این انتقال و تقلید از آنها بوجود آمد. با توجه به شکل‌های مختلف مدالیون‌های نقش بسته بر روی

پی‌نوشت‌ها

بزرگترین بیابان کشور چین و هجدهمین بیابان بزرگ جهان است. این بیابان در غرب چین، در استان سینکیانگ و در حوضه آبریز تاریم واقع شده است. مساحت تکله‌مکان ۲۷۰ هزار کیلومتر مربع، درازای آن هزار کیلومتر و پهنای آن ۴۰۰ کیلومتر است. کاوش‌ها نشان می‌دهد که در زمان‌های قدیم در مکان‌هایی چون دندان‌اوبلیق، نیا، اندره و لولان شهرهایی پررونق وجود داشته که زیر نفوذ فرهنگی ایران، هند، تخارها، یونانی‌ها و چینی‌ها بوده‌اند (Encyclopaedia Iranica: Taklamakan).

5 Zeniao.

6 Tang Huiyao.

تانگ هوینائو، قوانین اصلی تانگ تاریخ سلسله تانگ است که بوسیله وانگ‌پو برای تقدیم به امپراتور تازیو در سال ۹۶۱ میلادی تدوین شد. یک هوینائو کتابی است که به تصمیمات سیاسی و اداری ارتباط دارد. این کتاب شامل یکصد جلد و ۵۱۴ فصل است.

1 Le Pallia Rotata.

۲ در سال ۶۲۷ میلادی، در طی نبردی که به نبرد نینوا معروف است. هراکلیوس به دستگرد حمله کرد. این محل تقریباً در فاصله ۱۲۰ کیلومتری تیسفون پایتخت ایران واقع بود. در اثر این حمله قصر خسرو توسط قشون روم غارت شد. هراکلیوس یک جشن مذهبی پر مسرت را در کاخ متروک دستگرد خسرو برگزار کرد. در خزاین این قصر، سیصد پرچم رومی را، با نشان جنگی آن که طی جنگ‌های سابق همچون نشانه‌های شکست روم، به دست ایرانیان افتاده بود با غنایم بسیار دیگر به دست آورد. در این جنگ خسرو قشون ایران را رها نموده و بطرف تیسفون فرار کرد. با این وجود لشکر ایران استقامت کرده و با انهدام پل‌ها و کانال نهران، از پیشروی قشون هراکلیوس به طرف تیسفون، پایتخت ساسانی، جلوگیری کرد (پیرنیا، ۱۳۶۲، ۱۴۵).

3 Kizli.

4 Takla Makan.

Hayachi, Ryochi (1975), *The Silk Road and the Shosoin*, John Weatherhill, Inc., Heibonsha, New York.

The Glory of Byzantium (1997), *Art and Culture of the Middle Byzantine Era* (A.D. 843-1261, cat. exp, New York. (1997), *The Metropolitan Museum of Art*, No 271, pp. 414-416.

Trilling, J (1985), *The Medallion Style, A Study in the Origins of Byzantine Taste*, Garland Pub, New York.

Vanden Berghe, L. & Overlaet, B (1993), *Splendeur des Sasanides, L'empire perse entre Rome et la Chine (224-642)*, Brussels.

mv.vatican.va

thewalters.org

www.archeo.ens.fr

www.asianart.com

www.autun.com

www.clevelandart.org

www.cooperhewitt.org

www.faremoutiers.org/fr

www.guimet.fr

www.latapisserie.com

www.metmuseum.org

www.musee-moyenage.fr

www.nationalmuseumofiran.ir

www.qantara-med.org

www.smb.museum

۷ پنجکنت، شهر و ناحیه‌ای است در حدود استان سغد تاجیکستان که در قسمت غرب این جمهوری قرار دارد. مردم ناحیه پنجکنت تاجیک‌اند، اما شماری از یک نیز در آنجا نشیمن دارند. نام اصلی آن «پنج‌کند» به معنای پنج شهر است. در ابتدا «پنجه» نام داشت. پدر شعر پارسی، رودکی سمرقندی اهل این شهر بود. پنجکنت در منطقه‌ای کوهستانی و در کرانه چپ بخش میانی گستره رود زرافشان در استان سغد تاجیکستان نهاده است. ناحیه پنجکنت با استان سمرقند ازبکستان هم‌مرز است (انوشه، ۱۳۸۰، ۲۲۹).

8 Varxuman.

9 Santa Maria de l'Estay.

10 L'abbaye de Faremoutiers.

فهرست منابع

انوشه، حسن (به سرپرستی) (۱۳۸۰)، *دانشنامه ادب فارسی: ادب فارسی در آسیای میانه*. ج. اول، ویرایش دوم، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران.

پیرنیا، حسن (مشیرالدوله) (۱۳۶۲)، *تاریخ باستانی ایران*، انتشارات دنیای کتاب، تهران.

Bernus-Taylor, Marthe (1989), *Arabesques et Jardin de Paradis*, éd. De la Réunion, Paris.

Cassou, J. & VICES, F (1997), *Histoire de l'Ar*, tome 4, éditions Alpha, Paris.

Fernandez, Elisa Mesa (2000), *Tissus comparés : l'influence de l'Orient sur les tissus hispano-musulmans*.

Harris, Jennifer (1991), *5000 Years of Textiles*, New York.